

بررسی رابطه عدم صداقت مدیران موظف و بروز تقلب در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

رضا جامعی^۱، مرضیه نوری زاده^۲، بهنام نصیری^۳

چکیده

هدف این پژوهش بررسی رابطه عدم صداقت مدیران موظف و بروز تقلب در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. در این پژوهش با اجرای الگوی رگرسیون چندگانه با استفاده از روش اثرات ثابت و بهره‌گیری از حداقل مربعات معمولی و داده‌های تابلویی، رابطه بین عدم صداقت مدیران موظف در بروز تقلب در صورت‌های مالی مورد بررسی قرار گرفته است. جامعه آماری، شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۸-۱۳۹۲ می‌باشد که با روش حذف سیستماتیک، ۱۵۷ شرکت در نمونه آماری قرار گرفته‌اند. نتایج نشان داد در صورتی که اختلاف مالیاتی منجر به بروز تقلب در سازمان باشد بین عدم صداقت مدیران موظف و بروز تقلب رابطه معناداری وجود دارد. همچنین تعدیلات سنواتی به عنوان شاخص شناسایی تقلب به رابطه عدم صداقت مدیران و بروز تقلب در شرکت‌های مورد مطالعه تاثیرگذار نیست. نتایج نشان داد بین ارائه اظهارنظر حسابرسی تعدیل شده و بروز تقلب رابطه معناداری وجود دارد و اظهارنظر تعدیل شده حسابرس بر رابطه بین عدم صداقت مدیران موظف و بروز تقلب تاثیری ندارد.

واژه‌های کلیدی: اختلاف مالیاتی، اظهارنظر تعدیل شده حسابرس، تقلب، عدم صداقت، مدیران موظف.

۱. جامعی، رضا. استادیار گروه حسابداری دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه کردستان،

۰۹۱۸۳۷۱۶۵۳ ، r.jamei@uok.ac.ir

۲. نوری زاده، مرضیه. دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه کردستان. nourizadeh_m70@yahoo.com

۳. نصیری، بهنام. دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه کردستان. b.nasiri86527@gmail.com (نویسنده پاسخگو). ۰۹۱۹۵۹۸۶۶۰۸

مقدمه

در جهان امروز شرکت‌ها جهت پیشبرد اهداف خود برنامه‌ریزی‌های مدونی را انجام می‌دهند و به شناسایی تک‌تک عوامل تاثیرگذار بر بنگاه اقتصادی خود می‌پردازند، یکی از عواملی که می‌تواند تاثیر به‌سزایی در دستیابی به این اهداف داشته باشد، صداقت مدیران موظف می‌باشد (سهریش، کاشف و خالد^۱، ۲۰۱۳). اهمیت مدیریت سالم، کارآ و همراه با صداقت و بدون هر گونه تقلب نه تنها برای علم حسابداری، بلکه در تمامی علوم و حوزه‌های کاری دیگر بر هیچ کسی پوشیده نیست چرا که لازمه موفقیت و دستیابی به پیشرفت در تمامی حوزه‌های زیر مجموعه یک جامعه، داشتن مدیرانی کارآمد، کاربلد، هماهنگ شده با قانون و خواسته‌های کارمندان می‌باشد (اسکینی، ۱۳۸۰).

زمانی که صداقت مدیران زیر سوال می‌رود، پایه‌های استانداردهای حسابداری تخریب می‌شود. همچنین کوتاهی در ارزیابی نقادانه صداقت مدیریت یا بدتر از آن انجام حسابرسی بدون اجرای روش‌های اضافی و هوشمندانه که هدف آن کسب شواهد درباره صداقت مدیریت نباشد، حساب‌برسان مستقل را با محدودیت‌های اخلاقی یا تعهدات قانونی روبه‌رو می‌کند که بسیار پرمخاطره و بحث‌برانگیز است (وینسن و توماس^۲، ۲۰۱۱).

تحریف صورت‌های مالی، شامل دستکاری عناصر تشکیل‌دهنده آن‌ها از طریق ارائه بیش از واقع‌داری، فروش و سود و یا ارائه کمتر از واقع‌دهی، هزینه و زیان است. در مواقعی که صورت‌های مالی حاوی تحریفی بااهمیت است به گونه‌ای که عناصر تشکیل‌دهنده آن صورت مالی بیانگر واقعیت نباشد، گفته می‌شود که تقلب صورت گرفته است (اسپاتیس^۳، ۲۰۰۲).

تقلب، یک دلیل بااهمیت برای شکست بسیاری از شرکت‌ها است و به ویژه، به بازارهای سرمایه آسیب می‌رساند؛ چرا که سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان و تحلیل‌گران مالی در تصمیم‌گیری‌هایشان بر صورت‌های مالی در دسترس عموم، متکی هستند و به آن‌ها اعتماد می‌کنند (آتا و سیریک^۴، ۲۰۰۹). با توجه به بحران‌های موجود حدس زده می‌شود که مشکلات نمایندگی تنها نیمی از داستان و نیمی دیگر مربوط به از دست دادن صداقت مدیران می‌باشد. مدیرانی با عدم صداقت در اجرا، تمایل به نادیده گرفتن رویه‌ها به منظور حفظ منافع شخصی دارند (جنسن و والکینگ^۵، ۲۰۱۰).

این موضوع به ویژه برای کشورهای در حال توسعه مانند ایران بسیار درخور توجه است که نیازمند سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف است. از طرفی، بورس اوراق بهادار هر کشور به عنوان قلب تپنده اقتصاد آن در نظر گرفته می‌شود که صنایع مختلفی در آن حضور دارند که اقتصاد آن کشور را تضمین

می‌کنند، بنابراین هر مشکلی که در وضعیت معاملاتی بورسی شرکتی رخ دهد تاثیر مستقیمی بر سهامداران، مشتریان آن شرکت و در حالت کلی اقتصاد کشور خواهد داشت.

بر این اساس با توجه به رابطه تنگاتنگ بورس با وضعیت اقتصادی هر کشور، هر گونه تقلب مالی در شرکت‌های حاضر در بورس می‌تواند منجر به صدمات جبران‌ناپذیری به مجموعه سهامداران داخلی و خارجی و اقتصاد کل کشور شود. از طرفی در کشور ما هیچ نهادی به طور مستقیم برای پژوهش و کشف موارد تقلب احتمالی و نیز هیچ پایگاه اطلاع‌رسانی برای گزارش این قبیل موارد وجود ندارد. نهادهایی از قبیل سازمان بورس اوراق بهادار اطلاعات احتمالی مربوط به هر گونه تحریف و به طور خاص تقلب در صورت‌های مالی را در اختیار عموم و تحلیل‌گران قرار نمی‌دهند. تنها مواردی که در سازمان بورس اوراق بهادار پیگیری می‌شود احتمال تقلب توسط دارندگان اطلاعات نهانی (به ویژه مدیران) در این شرکت‌ها و در صورت صدور رای از طریق محاکم قضایی؛ موارد به طور خصوصی اطلاع‌رسانی می‌شود. همچنین فقدان مطالعات تحقیقی در این زمینه از دیگر محدودیت‌های قابل توجه است. از این رو در این پژوهش با در نظر گرفتن عوامل یاد شده، به بررسی رابطه بین عدم صداقت مدیران موظف در بروز تقلب در صورت‌های مالی حاضر در بورس اوراق بهادار تهران خواهیم پرداخت.

پیشینه پژوهش

پیشینه نظری

رسوایی‌های مالی بین‌المللی صورت گرفته در سرتاسر جهان موجب توجه بسیاری به مقوله صورت‌های پاک حسابداری با کمترین انحرافات مالی جهت به دست آوردن کیفیت سود مناسب برای شرکت‌ها و سهامداران آن‌ها شده است (طاوسی، طاوسی و حسنی القار، ۱۳۹۳). بر این اساس کشورهای مختلف مطابق با قوانین وضع شده، اقدام به بررسی و مقابله با تهدید سود شرکت‌ها و سهامداران نموده‌اند. لکن رویکرد کشورهای مختلف برای نیل به این اهداف با یکدیگر متفاوت بوده و جهت جلوگیری از بروز تقلب به روش‌های مختلفی روی آورده‌اند.

ویژگی‌های هیات مدیره به عنوان عوامل عمده از تقلب شناسایی می‌شوند. به عنوان مثال؛ استقلال هیات مدیره، کمیته حسابرسی و مدیران با زمینه‌های مالی و حسابداری به ارتقاء کیفیت نظارت هیات مدیره کمک می‌کنند (فرث و همکاران، ۲۰۱۱).

یکی از موارد بااهمیتی که همراه با کیفیت حسابرسی به کاهش میزان تقلبات منجر می‌شود، صداقت مدیران موظف است. هر مکانیسم حکومتی خوب هم به اجرا و هماهنگ کردن با مدیران نیاز دارد و هم به عنوان یک نقش مهم در اداره امور شرکت‌ها تلقی می‌شود، اما با این وجود نقش صداقت مدیران تا حد

زیادی نادیده گرفته می‌شود. از آنجایی که مدیران قادر به تحمیل موثر موانع به جریان‌های اطلاعات به سایر اعضای هیات مدیره هستند، نشان می‌دهد که صداقت و مدیریت مرکزی باعث اثربخشی نظارت و کنترل هیات مدیره می‌شود (نواک و همکاران^۷، ۲۰۰۳).

حسابرسان در فرآیندی که عدم صداقت وجود دارد می‌توانند از طریق صدور اظهارنظر حسابرسی تعدیل شده در امور دخالت کنند (سایرگار و اوتاما^۸، ۲۰۰۸). هاو و همکاران^۹ (۲۰۰۳) نشان می‌دهند که علاوه بر قیمت‌گذاری، اظهارنظر تعدیل شده حسابرس می‌تواند اعلام درآمد سالانه را به تأخیر بیندازد. چنین تأخیری باعث ایجاد سوءظن و نگرانی سرمایه‌گذاران می‌شود.

جنسن^{۱۰} (۲۰۱۱)، اشاره می‌کند که عدم صداقت مدیران می‌تواند مانع از کارآیی سازمان شود و هر مکانیسم حکومتی برای اجرایی کردن کارها به هماهنگی با مدیران نیاز دارد. پس می‌توان گفت صداقت برای کارآیی ضروری است و به این ترتیب شرط لازم (اما نه کافی) برای به حداکثر رساندن ارزش می‌باشد.

پیشینه تجربی

سنجایی (۱۳۸۴)، در پژوهشی به شناسایی عوامل موثر بر احتمال وقوع تقلب در گزارشگری صورت‌های مالی ایران پرداخت. وی این عوامل را در ساختار محیطی شرکت‌ها شناسایی کرد. در پژوهش او عوامل خطر در ۴ گروه: عوامل خطر مرتبط با ویژگی‌ها و نفوذ مدیریت، عوامل خطر مرتبط با عدم تبعیت مدیریت از کنترل‌های داخلی و استانداردهای لازم‌الاجرا، عوامل خطر مرتبط با شرایط بازار و صنعت و عوامل خطر مرتبط با ویژگی‌های عملیاتی، نقدینگی و ثبات مالی، طبقه‌بندی و مورد استفاده قرار گرفتند.

فرقاندوست حقیقی و برواری (۱۳۸۸)، در پژوهشی به بررسی کاربرد روش‌های تحلیلی در ارزیابی ریسک تحریف صورت‌های مالی (تقلب مدیریت) پرداختند. همچنین فرقاندوست حقیقی و عبدالمهی (۱۳۸۸)، نیز در پژوهشی به بررسی کاربرد سیستم‌های فازی در ارزیابی ریسک تقلب مدیریت پرداختند. بر اساس نتیجه نهایی تحلیل آماری آن‌ها در مورد توانایی مدل پیشنهادی در پیش‌بینی حضور یک شرکت در گروه متقلب و یا غیرمتقلب، درصد پیش‌بینی صحیح توسط مدل نهایی ۵/۹۰ درصد محاسبه گردید.

جامعی، هلشی و حاجی‌عیدی (۱۳۹۱) نشان دادند که بهبود عملکرد مدیریت سبب کاهش صدور گزارش مشروط می‌شود، در نتیجه معیارهای حسابداری عملکرد مدیریت اظهارنظر حسابرس مستقل را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

اعتمادی و زلفی (۱۳۹۲) در تحقیقی با عنوان "کاربرد رگرسیون لجستیک در شناسایی گزارشگری مالی متقلبان" به بررسی تقلب صورت‌های مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

با استفاده از برخی نسبت‌های مالی پرداختند. هدف اصلی این پژوهش تدوین یک مدل قابل اعتماد برای کشف تقلب صورت‌های مالی برای شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. در این پژوهش شرکت‌ها به دو دسته متقلب و غیرمتقلب دسته‌بندی شده و همچنین ۹ نسبت مالی به عنوان پیش‌بینی‌کننده‌های بالقوه برای آزمون انتخاب شده‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که توانایی کشف تقلب صورت‌های مالی از طریق تجزیه و تحلیل صورت‌های مالی حسابرسی شده و انتشار یافته وجود دارد. کرکس، اسپاتیس و منولوپولوس^{۱۱} (۲۰۰۷)، معتقدند که یکی از مهم‌ترین انواع تقلب، تقلب‌های مدیریت است. تقلب هدفمند انجام شده از سوی مدیریت از طریق ارائه صورت‌های مالی گمراه‌کننده، به سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان آسیب می‌رساند. در طول فرآیند حسابرسی، حسابرسان باید امکان تقلب مدیریت را برآورد کنند. حرفه حسابرسی، با چالش شمار فزاینده موارد تقلب مدیریت روبه‌رو است. روش‌های داده‌کاوی که ادعا می‌شود توانایی‌های پیشرفته‌ای در طبقه‌بندی و پیش‌بینی دارند، می‌توانند کار حسابرسان را در انجام وظیفه کشف تقلب مدیریت آسان سازند.

گوردون، فرگوسن و هال^{۱۲} (۲۰۰۸)، از سه روش جهت تعیین این که مدیران شرکت‌های خصوصی و نیمه خصوصی تا چه حد به مدیریت توأم با صداقت و به دور از هر گونه تقلب اعتقاد و سعی بر استفاده از آن می‌کنند، استفاده کردند. آن‌ها با استفاده از سه روش؛ ۱- پرسشنامه میزان محبوبیت و تعهد سازمانی مدیر و وجدان کاری هریسون ۲- استفاده از تخمین‌های مالی (میزان سود و یا ضرر مالی شرکت) ۳- استفاده از آزمون‌های مکمل ویژگی‌های شخصیتی، به این نتیجه رسیدند، مدیرانی که در فضای خانوادگی با مفهوم صداقت بیگانه بوده‌اند و برای منافع خودشان دست به هرکاری می‌زدند بیشترین تعداد مدیران مشمول تقلب بودند.

دیکول، میو و استفن^{۱۳} (۲۰۱۲)، صداقت مدیران موظف را بر اساس نظرسنجی از کارکنان و نامه سهامداران به‌طور سالانه اندازه‌گیری می‌کنند. آن‌ها صداقت مدیران موظف را از طریق کیفیت سود اندازه‌گیری شده توسط اقلام تعهدی مورد ارزیابی قرار دادند.

چن، کامینگ، هو و لی^{۱۴} (۲۰۱۳)، در پژوهشی با عنوان "صداقت در اجرا، اظهارنظر حسابرس و تقلب در شرکت‌های پذیرفته شده چین" به بررسی تاثیر نقش حسابرسان در کاهش تقلب در شرکت‌های پذیرفته شده چین که از جهت ضعف در اجرای قانون و سرمایه‌گذاری شناخته شده‌اند، پرداختند. آن‌ها با به‌کارگیری برخی از نسبت‌های مالی و همچنین اندازه‌گیری مدیریت سود به عنوان عامل کشف تقلب به بررسی شرکت‌های پذیرفته شده پرداختند. آن‌ها بررسی کردند که می‌توان از طریق تعدیل در گزارش حسابرس وضعیت تقلب در شرکت‌ها را بهبود بخشید. یافته‌های آن‌ها نشان می‌دهد که حسابرسان می‌توانند

به عنوان حکومت‌های خارجی در خدمت مکانیزمی برای تضعیف مدیران با صداقت کمتر، در بروز تقلب باشند.

پس از بررسی مساله پژوهش و مطالعات مقدماتی درباره جواب‌های ممکن، همچنین با توجه به پیشینه نظری و تجربی، برای پاسخ به سوالات مطرح شده در این پژوهش فرضیه‌های زیر تدوین شده‌اند:

فرضیه ۱: بین عدم صداقت مدیران (موظف) و بروز تقلب رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه ۲: بین ارائه اظهارنظر حسابرسی تعدیل شده و بروز تقلب رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه ۳: اظهارنظر تعدیل شده حسابرس بر رابطه بین عدم صداقت مدیران (موظف) و بروز تقلب تاثیر دارد.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت و روش، توصیفی-همبستگی است. جهت جمع‌آوری داده‌ها، از اطلاعات حسابرسی شده صورت‌های مالی و یادداشت‌های پیوست شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران استفاده شد. پس از جمع‌آوری اطلاعات، فرضیه‌های پژوهش با استفاده از تحلیل همبستگی و رگرسیون مورد بررسی قرار گرفتند. به منظور انجام تجزیه و تحلیل داده‌ها و استخراج آمار توصیفی از نرم‌افزار SPSS و برای استخراج آمار استنباطی از نرم‌افزار EViews استفاده شد. سپس این پژوهش، با استفاده از داده‌های تابلویی^{۱۵} با ارائه الگوی رگرسیون چندگانه به روش اثرات ثابت اجرا گردید.

جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری این پژوهش، شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۲ می‌باشد. برای تعیین نمونه، از طریق فرآیند و شرایط جدول ۱، ۱۵۷ شرکت انتخاب شد.

جدول ۱. شرایط انتخاب نمونه

عنوان	تعداد	تعداد
اعضای جامعه در پایان سال ۱۳۹۲	۶۶	۴۲۷
۱. شرکت‌هایی که اطلاعات آن‌ها در دسترس نمی‌باشد.	۱۱۲	
۲. شرکت‌هایی که جزء صنعت سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری مالی طبقه‌بندی می‌شوند.		

۲۷۰	۹۲	۳. شرکت‌هایی که پایان سال مالی آن‌ها پایان اسفند ماه نمی‌باشد و یا طی دوره مورد مطالعه تغییر سال مالی داشته‌اند. جمع شرکت‌های حذف شده از جامعه آماری تعداد شرکت‌های مورد مطالعه
۱۵۷		

متغیرهای پژوهش

با توجه به فرضیه‌های بیان شده در بخش قبل برای انجام پژوهش از متغیرهای زیر استفاده شد:

متغیر مستقل

عدم صداقت مدیران موظف^{۱۶}: صداقت مدیران از طریق سود اندازه‌گیری شده توسط ارقام تعهدی اندازه‌گیری می‌شود (دیکول، میو و استفن، ۲۰۱۲). در ایران بهترین روش برای اندازه‌گیری ارقام تعهدی، استفاده از مدل کازنیک^{۱۷} (۱۹۹۹) می‌باشد (سجادی، دستگیر، حسین‌زاده، اخگر، ۱۳۹۱). جهت محاسبه متغیر مذکور از مدل زیر استفاده می‌شود:

$$ACCR_t = \beta_0 + \beta_1[\Delta REV_{it} - \Delta REC_{it}] + \beta_2 PPE_{it} + \beta_3 \Delta CFO_{it} + e_{it} \quad \text{مدل (۱)}$$

در این مدل؛

ACCR : کل ارقام تعهدی

ΔREV : تغییر در آمد فروش سال t نسبت به سال قبل

ΔREC : تغییر در خالص حساب‌های دریافتی حاصل سال t نسبت به سال قبل

PPE: بهای تمام شده اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات، ناخالص دارایی ثابت

ΔCFO : تغییر در جریان‌های نقدی حاصل سال t نسبت به سال قبل.

متغیر وابسته

تقلب^{۱۸}: اعتمادی و زلقی (۱۳۹۲) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که داده‌های صورت‌های مالی حسابرسی شده این توانایی را دارند که هر گونه تقلب صورت‌های مالی را کشف نمایند. آن‌ها در پژوهش خود معیارهایی را به عنوان شاخص تقلب، با توجه به تحقیقات قبلی به شرح زیر در نظر گرفتند:

۱. وجود اختلافات مالیاتی با حوزه مالیات طبق یادداشت ذخیره مالیات بر درآمد و پرونده مالیاتی و بند شرط گزارش حسابرسی

۲. وجود تعدیلات سنواتی بااهمیت و صورت‌های مالی تجدید ارائه شده.

بنابراین در این پژوهش، برای طبقه‌بندی شرکت‌های مورد مطالعه به متقلب و غیرمتقلب، مبنا این است که این معیارها طی حداقل ۵ سال (سال ۱۳۸۸ الی ۱۳۹۲) برای شرکت‌های متقلب، صادق بوده و وجود این دو شاخص به عنوان شرایط طبقه‌بندی در گروه شرکت‌های دارای احتمال تقلب است. برای اندازه‌گیری این متغیر، به شرکت‌های متقلب عدد ۱ و به شرکت‌های غیرمتقلب، عدد ۰ تخصیص داده شد.

متغیر واسطه‌ای

MAO: اظهارنظر تعدیل شده حسابرسی: اگر اظهارنظر حسابرسی، توسط حسابرس تعدیل شده باشد که نشان‌دهنده وجود تحریف بااهمیت در صورت‌های مالی است برابر ۱، در غیر این صورت برابر ۰ است.

متغیرهای کنترلی

Size: اندازه شرکت؛ لگاریتم طبیعی ارزش بازار. این متغیر به صورت زیر اندازه‌گیری می‌شود:

$$\text{Size}_{i,t} = \ln(N_{i,t} \times P_{i,t})$$

که در آن؛ N : تعداد سهام در جریان شرکت؛ P : قیمت سهام شرکت.

PB: نسبت قیمت سهم به ارزش دفتری است.

ST: ابهام در تداوم فعالیت؛ اگر شرکت تجربه حداقل دو یا چند سال متوالی زیان را داشته باشد برابر ۱، در غیر این صورت برابر ۰ است.

Lev: اهرم مالی؛ نسبت کل بدهی به کل دارایی است.

مدل‌های پژوهش

در این پژوهش جهت بررسی فرضیه‌های اول و دوم پژوهش، از مدل‌های زیر استفاده شده است:

$$\text{Fruad}_t = \beta_0 + \beta_1 \text{EM}_{t-1} + \beta_2 \text{MAO}_{t-1} + \beta_3 \text{Size} + \beta_4 \text{PB} + \beta_5 \text{ST} + \beta_6 \text{Lev} + \varepsilon \quad \text{مدل (۲)}$$

تعریف اصطلاحات به کار رفته در این مدل:

Fruad_{it} : نقب برای شرکت i در زمان t

EM_{t-1} : اقلام تعهدی اختیاری برای شرکت i در زمان $t-1$

MAO_{t-1} : اظهار نظر حسابرسی تعدیل شده برای شرکت i در زمان $t-1$

Size_{it} : اندازه شرکت برای شرکت i در زمان t

PB_{it} : نسبت قیمت سهم به ارزش دفتری بازار سهام برای شرکت i در زمان t

ST_{it} : ابهام در تداوم فعالیت برای شرکت i در زمان t

Lev_{it} : اهرم مالی برای شرکت i در زمان t

ε : میزان خطای مدل.

$$\text{Fruad}_t = \alpha_0 + \alpha_1 \text{EM}_{t-1} + \alpha_2 \text{MAO}_{t-1} + \alpha_3 \text{EM}_{t-1} \times \text{MAO}_{t-1} + \alpha_4 \text{Size} + \alpha_5 \text{PB} + \alpha_6 \text{ST} + \alpha_7 \text{Lev} + \varepsilon \quad \text{مدل (۳)}$$

این مدل برای آزمون فرضیه سوم پژوهش به کار گرفته شد.

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

آمار توصیفی متغیرهای اصلی پژوهش در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲. آماره‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

نام متغیر	تعداد	کمترین مقدار	بیشترین مقدار	میانگین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
تقلب (اختلاف مالیاتی)	۷۸۵	۰	۱	۰/۱۴۳۹	۰/۳۵۱۲۶	۲/۰۳۲	۲/۱۳۶
تقلب (تعدیل سنواتی)	۷۸۵	۰	۱	۰/۸۴۵۹	۰/۳۶۱۳۱	-۱/۹۱۹	۱/۶۸۸
عدم صداقت مدیران موظف	۷۸۵	-۰/۳۹	۰/۷۲	۰/۳۶	۰/۶۵	۰/۰۰۷	۰/۵۲
اندازه شرکت	۷۸۵	۱۳/۲۷	۲۵/۸۳	۱۹/۸۵۱۸	۱/۸۸۷۷۸	-۰/۰۷۶	۱/۲۵۷
نسبت قیمت سهام به ارزش دفتری بازار سهام	۷۸۵	۱۶	۱/۷۴	۲۳۴۰/۳۸۱۵	۱/۷۷۸۱۲	۱۰/۰۳۶	۱۵۹/۲۱۲
ابهام در تداوم فعالیت	۷۸۵	۰	۱	۰/۶۲	۰/۲۲۵	۰/۰۳۸	۰/۷۸۳
اهرم مالی	۷۸۵	۰/۰۰	۱۰/۴۲	۰/۶۵۰۱	۰/۴۹۶۴۵	۱۲/۸۵۸	۲۲۵/۵۷۰
اظهارنظر حسابرسی	۷۸۵	۰/۰۰	۱/۰۰	۰/۷۶۴۳	۰/۴۲۴۶۹	-۱/۲۴۸	-۰/۴۴۴

متغیر عدم صداقت مدیران موظف با ۷۸۵ مشاهده طی ۵ سال به ترتیب دارای کمترین، بیشترین و میانگینی برابر ۰/۳۹، ۰/۷۲ و ۰/۳۶ است. همچنین مقادیر مربوط به کشیدگی و چولگی آن نیز به ترتیب در جدول بالا قید گردیده است. با بررسی شکل توزیع این متغیر از نقطه نظر تقارن و چولگی ملاحظه می‌شود که چولگی مثبت بوده و از این رو توزیع عدم صداقت مدیران شرکت‌های مورد بررسی چوله به راست بوده و چون بزرگ‌تر از ۰/۵ است بنابراین توزیع چولگی زیادی دارد و بدین ترتیب میانگین از میانه و مد بزرگتر است. از سوی دیگر ضریب کشیدگی توزیع، بلندتر از توزیع نرمال است.

تحلیل آزمون فرضیه‌ها با در نظر گرفتن شاخص اختلاف مالیاتی در بروز تقلب

✓ آزمون فرضیه‌های اول و دوم پژوهش:

جدول ۳. ضرایب مدل اول رگرسیون روش ترکیبی به روش اثرات ثابت

سطح معناداری	آماره t	خطای استاندارد	ضرایب (β)	اجزای مدل
۰/۰۰۰۰	۵/۴۶۹۴۴۴	۰/۰۵۶۷۰۳	۰/۳۱۰۱۳۲	عدد ثابت
۰/۰۳۹۷	۲/۰۵۷۷۷۵	۰	۰	عدم صداقت مدیران موظف
۰/۰۰۰۰	-۷/۶۹۴۲۸۶	۰/۰۱۱۰۴۵	۰/۰۸۴۹۹۸۵	اظهار نظر حسابرسی تعدیل شده
۰/۰۰۰۰	-۵/۷۴۵۸۶	۰/۰۰۲۶۶۶	-۰/۰۱۳۵۳۰	اندازه شرکت
۰/۰۰۰۰	۵/۱۶۹۸۸	۰/۰۱۱۴۰۷	۰/۰۵۸۹۷۲	ابهام در تداوم فعالیت
۰/۰۱۸۰	۲/۳۶۵۷۱۶	۰	۰	نسبت قیمت سهام به ارزش دفتری
۰/۰۹۸۱	-۱/۶۵۴۵۱۴	۰/۰۱۰۱۱۸	-۰/۰۱۶۷۴۱	اهرم مالی
۰/۲۳۶۴۴				R^2
۰/۲۱۵۰۷				R^2 تعدیل شده
۱/۷۰۶۷۷۱				آماره دوربین واتسون
۰/۰۰۰				سطح معناداری مدل

بر اساس این جدول، مقدار سطح معناداری آماره F برابر ۰/۰۰۰ می‌باشد که کمتر از ۵ درصد است، در نتیجه در سطح اطمینان ۹۵ درصد، معنادار بودن مدل پژوهش پذیرفته می‌شود. از سوی دیگر آماره دوربین واتسون برای مدل رگرسیونی محاسبه شده است که عدد ۱/۷۰۶۷۷۱ را نشان می‌دهد، از آنجا که

این عدد بین (۲/۵ - ۱/۵) قرار دارد، حاکی از عدم همبستگی در اجزا مدل را اثبات می‌کند. مقدار ضریب تعیین تعدیل شده مدل برابر ۰/۲۱۵۰۷ است. این آماره نشان می‌دهد حدود ۲۱ درصد تغییرات متغیر وابسته توسط متغیر مستقل توصیف می‌شود. آماره t محاسباتی و مقادیر سطح اطمینان ۹۵ درصدی، حاکی از این است که عدم صداقت مدیران و اظهارنظر حسابرسی تعدیل شده رابطه معناداری با تقلب شرکت‌ها دارند و با توجه به علامت آماره t محاسباتی بین دو متغیر عدم صداقت مدیران و تقلب شرکت‌ها رابطه مثبت و بین متغیر اظهارنظر حسابرسی تعدیل شده و تقلب شرکت‌ها رابطه معنادار و معکوس وجود دارد، بنابراین فرضیه اول و دوم پژوهش تأیید می‌شود.

✓ آزمون فرضیه سوم پژوهش:

جدول ۴. ضرایب مدل دوم رگرسیون روش ترکیبی به روش اثرات ثابت

سطح معناداری	آماره t	خطای استاندارد	ضرایب (β)	اجزای مدل
۰/۰۰۰۰	۵/۷۲۱۶۲۸	۰/۰۵۳۰۶۶	۰/۳۰۳۶۲۶	عدد ثابت
۰/۰۰۰۵	۳/۴۵۸۱۵۵	۰	۰	عدم صداقت مدیران موظف
۰/۰۰۰۰	-۸/۰۵۳۹۰۸	۰/۰۱۰۳۴۵	۰/۰۸۳۳۱۷	اظهارنظر حسابرسی تعدیل شده
۰/۰۰۷۶	۲/۶۶۹۸۵۳	۰	۰	اظهارنظر حسابرسی \times اقلام تعهدی اختیاری
۰/۰۱۲۹	۲/۴۸۸۴۵۸	۰	۰	نسبت قیمت سهام به ارزش دفتری
۰/۰۰۰۰	-۵/۲۷۱۷۰۱	۰/۰۰۲۴۹۶	-۰/۰۱۳۱۶۱	اندازه شرکت
۰/۰۰۰۰	۵/۵۸۳۷۵۰	۰/۰۱۰۶۶۶	۰/۰۵۹۵۵۹	ابهام در تداوم فعالیت
۰/۰۸۰۰	-۱/۷۵۱۲۴۳	۰/۰۰۹۴۶۰	-۰/۰۱۶۵۶۶	اهرم مالی
	۰/۲۴۷۵۲			R^2
	۰/۲۲۵۷۳			R^2 تعدیل شده
	۱/۷۰۸۵۷۲			آماره دوربین واتسون
	۰/۰۰۰			سطح معناداری مدل

بر اساس جدول ۴، مقدار سطح معناداری آماره F برابر $0/000$ می باشد که معنادار بودن مدل پژوهش را نشان می دهد. همچنین مقدار آماره دوربین واتسون برای مدل رگرسیونی محاسبه شده عدد $1/708572$ را نشان می دهد که وجود نداشتن همبستگی در اجزا مدل را اثبات می کند. مقدار ضریب تعیین تعدیل شده مدل برابر $0/22573$ است که نشان دهنده توصیف 22 درصدی تغییرات متغیر وابسته توسط متغیر مستقل است. آماره t محاسباتی و مقادیر سطح اطمینان 95 درصدی حاکی از این است که عدم صداقت مدیران رابطه معناداری با تقلب شرکت ها دارد و با توجه به علامت آماره t محاسباتی رابطه مثبت بین دو متغیر عدم صداقت مدیران و تقلب شرکت ها وجود دارد، بنابراین اظهار نظر تعدیل شده حسابرس بر نوع رابطه بین عدم صداقت مدیران موظف و بروز تقلب تاثیر ندارد و فرضیه سوّم تایید نمی شود.

تحلیل آزمون فرضیه ها با در نظر گرفتن شاخص تعدیلات سنواتی با اهمیت در بروز تقلب
 ✓ آزمون فرضیه های اول و دوّم پژوهش:

جدول ۵. ضرایب مدل اول رگرسیون روش ترکیبی به روش اثرات ثابت

سطح معناداری	آماره t	خطای استاندارد	ضرایب (β)	اجزای مدل
$0/0000$	$8/208763$	$0/095362$	$0/782803$	عدد ثابت
$0/5006$	$0/673558$	0	0	عدم صداقت مدیران موظف
$0/0012$	$-3/233716$	$0/012591$	$-0/040717$	اظهار نظر حسابرسی تعدیل شده
$0/6686$	$0/428167$	$0/004546$	$0/001947$	اندازه شرکت
$0/0172$	$-2/382679$	$0/015029$	$-0/035809$	ابهام در تداوم فعالیت
$0/1403$	$1/474917$	$0/00000120$	$0/00000178$	نسبت قیمت سهام به ارزش دفتری
$0/0478$	$-1/979380$	$0/009790$	$-0/019379$	اهرم مالی
	$0/161081$			R^2
	$0/159743$			R^2 تعدیل شده
	$2/057766$			آماره دوربین واتسون
	$0/000$			سطح معناداری مدل

همان‌طور که در جدول بالا مشاهده می‌کنیم، مقدار سطح معناداری آماره F برابر $0/000$ می‌باشد که نشان می‌دهد در سطح اطمینان ۹۵ درصد مدل پژوهش معنادار است. مقدار آماره دوربین واتسون ($2/057766$) برای مدل رگرسیونی محاسبه شده نشان‌دهنده عدم وجود خود همبستگی در اجزا مدل است. آماره t محاسباتی و مقادیر سطح اطمینان ۹۵ درصدی حاکی از این است که عدم صداقت مدیران رابطه معناداری با تقلب شرکت‌ها ندارد، بنابراین فرضیه اول پژوهش تایید نمی‌شود و با توجه به علامت آماره t محاسباتی در جدول فوق بین دو متغیر اظهار نظر حسابرسی تعدیل شده و تقلب شرکت‌ها رابطه معنادار و معکوس وجود دارد، به دیگر عبارت فرضیه دوم پژوهش تایید می‌شود.

✓ آزمون فرضیه سوم پژوهش:

جدول ۶. ضرایب مدل دوم رگرسیون روش ترکیبی به روش اثرات ثابت

سطح معناداری	آماره t	خطای استاندارد	ضرایب (β)	اجزای مدل
۰/۰۰۰۰	۸/۷۴۹۷۱۲	۰/۰۸۹۲۷۷	۰/۷۸۱۱۵۲	عدد ثابت
۰/۹۳۵۸	۰/۰۸۰۵۲۸	.	.	عدم صداقت مدیران موظف
۰/۰۰۰۷	۳/۴۰۳۰۸۷	۰/۰۱۱۸۱۷	۰/۰۴۰۲۱۵	اظهار نظر حسابرسی تعدیل شده
۰/۵۴۷۵	۰/۶۰۱۵۷۵	.	.	اظهار نظر حسابرسی \times اقلام تعهدی اختیاری
۰/۶۳۱۹	۰/۴۷۹۰۵۳	۰/۰۰۴۲۵۷	۰/۰۰۲۰۳۹	نسبت قیمت سهام به ارزش دفتری
۰/۱۱۹۴	۱/۵۵۷۴۴۲	۰/۰۰۰۰۰۱۱۳	۰/۰۰۰۰۰۱۷۶	اندازه شرکت
۰/۰۱۱۷	-۲/۵۲۱۷۵۷	۰/۰۱۴۰۷۵	-۰/۰۳۵۴۹۴	ابهام در تداوم فعالیت
۰/۰۳۵۴	-۲/۱۰۴۰۴۹	۰/۰۰۹۱۶۶	-۰/۰۱۹۲۸۵	اهرم مالی
	۰/۱۶۱۱۴۲			R^2

۰/۱۵۸۶۲۹	R^2 تعدیل شده
۲/۰۵۸۰۱۳	آماره دوربین واتسون
۰/۰۰۰	سطح معناداری مدل

مطابق با جدول ۶، مقدار سطح معناداری آماره F برابر ۰/۰۰۰ می‌باشد که کمتر از ۵ درصد است که نشان می‌دهد مدل پژوهش در سطح اطمینان ۹۵ درصد، معنادار است. مقدار آماره دوربین واتسون برای مدل رگرسیونی محاسبه شده نشان می‌دهد بین اجزای مدل، همبستگی وجود ندارد. آماره t محاسباتی و مقادیر سطح اطمینان ۹۵ درصدی حاکی از این است که با لحاظ متغیر میانجی، متغیر اظهارنظر تعدیل شده حسابرس نیز بین عدم صداقت مدیران موظف و تقلب شرکت‌ها رابطه معناداری وجود ندارد، لذا اظهارنظر تعدیل شده حسابرس بر نوع رابطه بین عدم صداقت مدیران موظف و بروز تقلب تاثیر ندارد و فرضیه سوّم تایید نمی‌شود.

نتایج آزمون فرضیه‌ها

- در تحلیل نتایج فرضیه اول؛ با توجه به وجود دو معیار برای بروز تقلب، با در نظر گرفتن شاخص اول (وجود اختلاف مالیاتی)؛ مقادیر سطح اطمینان ۹۵ درصدی حاکی از رابطه معنادار بین عدم صداقت مدیران موظف و بروز تقلب می‌باشد، بنابراین در صورتی که اختلاف مالیاتی منجر به بروز تقلب در سازمان باشد بین عدم صداقت مدیران و بروز تقلب ارتباط معنادار و مستقیمی وجود دارد. به دیگر عبارت هر چه مدیران در انجام وظایف و تعهدات خود از صداقت به دور باشند احتمال بروز تقلب در سازمان بیشتر می‌شود. گوردون، فرگوسن و هال (۲۰۰۸) نیز در پژوهش خود به وجود رابطه معنادار و مثبت بین عدم صداقت مدیران و بروز تقلب دست یافتند. همچنین با در نظر گرفتن شاخص دوّم (وجود تعدیلات سنواتی بااهمیت)؛ مقادیر سطح اطمینان ۹۵ درصدی حاکی از این است که عدم صداقت مدیران رابطه معناداری با تقلب شرکت‌ها ندارد.
- نتایج فرضیه دوّم این پژوهش نشان داد، مقادیر سطح اطمینان ۹۵ درصدی، حاکی از رابطه معنادار بین دو متغیر اظهارنظر حسابرسی تعدیل شده و تقلب شرکت‌ها می‌باشد. در نتیجه این پژوهش نشان می‌دهد در صورتی که اختلاف مالیاتی و تعدیلات سنواتی منجر به بروز تقلب در سازمان شوند بین ارائه اظهارنظر حسابرسی تعدیل شده و بروز تقلب ارتباط معنادار و معکوسی وجود دارد. توجه به اظهارنظر تعدیل شده حسابرس می‌تواند باعث بررسی دقیق و نزدیک از سرمایه‌گذاران شود و هیات مدیره شانس کمتری برای تقلب به مدیرانی با عدم صداقت می‌دهد. در واقع این نتیجه نقش بااهمیت

حسابرسان را در شرکت نشان می‌دهد. به عبارت دیگر هر چه حسابرسان استانداردهای حسابرسی را با دقت بیشتری اجرا نمایند احتمال بروز تقلب در سازمان کمتر می‌شود. نتیجه این پژوهش با پژوهش جامعی، هلشی و حاجی عیدی (۱۳۹۱) مطابقت دارد.

• همچنین نتایج آزمون فرضیه سوّم، حاکی از آن است که اظهارنظر تعدیل شده حسابرس بر رابطه بین عدم صداقت مدیران و بروز تقلب تأثیر ندارد. نتایج این پژوهش با پژوهش چن، کامینگ، هو و لی (۲۰۱۳) و پژوهش هاو، آی، پارک، چی و ویو (۲۰۰۳) مطابقت ندارد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

شناسایی عوامل موثر بر تقلب در شرکت‌ها و تبیین علائم و نشانه‌هایی که به کمک آن‌ها بتوان به احتمال وجود تقلب در گزارش‌های مالی پی برد، در راستای کمک به بازار و استفاده‌کنندگان از اطلاعات برای تخصیص بهینه منابع مالی ضروری است. از این‌رو در این پژوهش با در نظر گرفتن این موضوع و عوامل یاد شده در طی پژوهش، به بررسی رابطه بین عدم صداقت مدیران و بروز تقلب پرداختیم.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها نشان داد مدیران با عدم صداقت کمتر، احتمال دارد که نمایش درست و عادلانه‌ای در صورت‌های مالی که مطابق با مقررات و الزامات مربوطه باشد ارائه دهند؛ در نتیجه به احتمال بیشتر اظهارنظر تعدیل شده حسابرسی را دریافت می‌کنند. این نوع از مدیران تمایل به نادیده گرفتن سیاست‌ها و رویه‌ها به منظور حفظ منافع شخصی خود را دارند، بنابراین احتمال گرفتن تصمیمات غیراخلاقی در میان آن‌ها بیشتر است.

در نهایت نتایج نشان داد، تقلب امری است که همیشه هست می‌تواند وجود داشته باشد و احتمال بروز آن هنگامی کاهش می‌یابد که همه عوامل موجود در سازمان، در مبارزه با این مورد ضداورزشی و ضداخلاقی همسو شوند. در این میان نباید نقش مدیران و سپس حسابرسان را نادیده گرفت، چرا که مدیران با تعیین سیاست‌ها و رویه‌ها در سازمان، می‌توانند از بروز تقلب جلوگیری کنند و حسابرسان هم از طریق برنامه‌ریزی‌هایی در جهت پیشگیری از بروز تقلب می‌توانند تأثیرگذار باشند.

پیشنهادها

با توجه به مطالب عنوان شده پیشنهادهایی به شرح زیر ارائه می‌شود:

پیشنهادهایی مبتنی بر نتایج این پژوهش

۱. بر اساس وجود رابطه بین عدم صداقت مدیران و بروز تقلب (رابطه معنادار و مثبت)، باید زمینه‌ای فراهم شود که علل نبود صداقت مانند مخالفت با مدیر و استیضاح وی، ترس از پیامدها و عواقب

کارها، سودجویی و ... کاهش پیدا کند. بنابراین برای اجتناب از آسیب دیدن یک شرکت، اگر اصول اخلاقی از طرف شرکت، مدیریت و کارکنان آن سازمان رعایت شود، در موفقیت آن شرکت موثر خواهد بود و احتمال بروز تقلب در آن شرکت کاهش می‌یابد.

۲. پیشنهاد می‌شود بورس اوراق بهادار با الزام شرکت‌ها به ارائه اطلاعاتی (که در طی این پژوهش بیان شده است)، نسبت به کنترل دقیق‌تر و نظارت بیشتر بر شرکت‌هایی که ریسک بالایی در تقلب دارند، اقدام کند.

پیشنادهایی برای پژوهشگران آتی

۱. پیشنهاد می‌شود این پژوهش در آینده با دوره زمانی طولانی‌تر و در نمونه آماری گسترده‌تر و به تفکیک صنعت، به منظور بهبود اعتبار یافته‌های پژوهش، انجام گیرد.
۲. پژوهشگران می‌توانند از روش‌های دیگری برای کشف تقلب صورت‌های مالی از قبیل تحلیل تمایز، شبکه‌های لوجیت تطبیقی، شبکه‌های عصبی و درخت تصمیم و شبکه باور بیزین استفاده کنند.
۳. با توجه به این‌که بحث صداقت و تقلب از جانب سایر اقشار جامعه از مباحث بااهمیت به شمار می‌رود، پیشنهاد می‌شود تاثیر عوامل مطرح شده در آن‌ها مورد آزمون قرار گیرد.
۴. همچنین پیشنهاد می‌شود عواملی چون سودآور بودن شرکت و وجود نقدینگی به عنوان عوامل محرک در ایجاد وسوسه مدیران در بروز تقلب نیز بررسی گردد.

یادداشت‌ها

1	Sehrish, Kashif & Khalid	10	Jensen, M
2	Vincent & Thomas	11	Kerkaus, Spathis & Manolopoulos
3	Spathis	12	Gordon, Ferguson & Hall
4	Ata & Seyrek	13	Dikolli, Mayew & Steffen
5	Jensen & Walkling	14	Chen & et al
6	Firth, Rue & Wu	15	Panel data
7	Novak & et al	16	ACCR
8	Siregar & Utama	17	Kaszniak
9	Haw & et al	18	Fraud

منابع

۱. اسکینی، ربیعا. (۱۳۸۰). حقوق تجارت ورشکستگی و تصفیه امور ورشکسته. چاپ اول. تهران: انتشارات سمت.
۲. اعتمادی، حسین؛ زلّقی، حسن. (۱۳۹۲). "کاربرد رگرسیون لجستیک در شناسایی گزارشگری متقلبانه". دانش حسابرسی، ۱۳ (۵۱)، ۱۴۵-۱۶۳.
۳. جامعی، رضا؛ هلشی، مهران؛ حاجی‌عیدی، عبدالله. (۱۳۹۱). "بررسی تاثیر عملکرد مدیران بر اظهارنظر حسابرس مستقل در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران". فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۱۹ (۷۰).
۴. سجادی، سیدحسین؛ دستگیر، محسن؛ حسین‌زاده، علی‌حسین؛ اخگر، محمداמיד. (۱۳۹۱). "بررسی شیوه‌های استفاده از اختیارات مدیریت در گزارشگری سودآوری آینده و تاثیر ویژگی‌های شرکت‌ها بر شیوه‌های استفاده از اختیارات مزبور". مجله دانش حسابداری، ۳ (۸)، ۷-۳۰.
۵. سنجایی، آرش. (۱۳۸۴). "شناسایی عوامل موثر بر احتمال وقوع تقلب در گزارشگری صورت‌های مالی". پایان‌نامه کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی.
۶. طاوسی، سمانه و طاوسی، محمدرضا و حسنی‌القار، مسعود (۱۳۹۳). "اهمیت حسابرسی تقلب و مسئولیت حسابرسان". اولین همایش ملی حسابداری، حسابرسی و مدیریت، اصفهان، موسسه آموزش عالی جامی.
۷. فرقاندوست حقیقی، کامبیز؛ براوری، فرید. (۱۳۸۸). "بررسی کاربرد روش‌های تحلیلی در ارزیابی ریسک تحریف صورت‌های مالی (تقلب مدیریت)". مجله دانش و پژوهش حسابداری، (۱۶)، ۱۸-۲۳؛ ۶۵-۷۰.
8. Ata A. & Seyrek, H. (2009). the Use of Data Mining Techniques in Detecting Fraudulent Financial Statements: An Application on Manufacturing Firms, Suleiman Demirel University. *The Journal of Faculty of Economics and Administrative Sciences*, 14 (2): 157-170.
9. Chen, J., Cumming, D., Hou, W. & Lee, E. (2013). Executive integrity, audit opinion, and fraud in Chinese Listed Firms. *Emerging Markets Review*, 15: 72-91.
10. Dikolli, S.S., Mayew, W.J. & Steffen, T.D. (2012). Honoring One's Word: CEO Integrity and Accruals Quality, *Working Paper*.
11. Dyck, A., Morse, A. & Zingales, L. (2010). who blows the whistle on corporate fraud? *Journal of Finance*, 65: 2015-2444.
12. Firth, M., Rue, O. & Wu, W. (2011). Cooking the books: recipes and costs of falsified financial statements in China. *Journal of Corporate Finance*, 17: 371-390.
13. Gordon, P.M., Ferguson, C. & Hall, J. (2008). Auditor Conservatism and Voluntary Disclosure: Evidence from the year 2000 Systems Issue. *Accounting and Finance*, 43: 21-40.
14. Haw, G.I., Park, K., Qi, D., & Wu, W. (2003). Audit qualification and timing of earnings announcements: evidence from China. *Auditing: A Journal of Practice and Theory*, 22(2): 121-146.
15. Jensen, M., & Walkling, R. (2010). Pioneers in finance: An interview with Michael C. Jensen- Part 2. *Harvard Business School NOM Unit Working Paper*.
16. Jensen, M. (2011). Putting integrity into finance theory and practice: a positive approach. *Harvard NOM Working Paper*, 06-06.
17. Kerkaus, E., C. Spathis, Y. & Manolopoulos. (2007). Data Mining Techniques for the Detection of Fraudulent Financial Statements, *Expert Systems with Applications*. 32: 995-1003.

18. Novak, A., Burgess, ES., Clark, M., Zvolensky, MJ. & Brown, RA. (2003). Anxiety Novak sensitivity, self-reported motives for alcohol and nicotine use, and level of consumption. *Journal of Anxiety Disorders*; 17: 165–80.
19. Sahrish, R., Kashif, R. & Khalid, Z. (2013). The relationship between audit committees, compensation incentives and corporate audit fees in Pakistan. *Economic Modelling*, 31: 697-716.
20. Siregar S.V., & Utama, S. (2008). Type of earnings management and the effect of ownership structure, firm size, and corporate-governance practices Evidence from Indonesia. *International journal of accounting*, 43: 27.
21. Spathis, T. (2002). detecting false financial statement using published data: some evidence from Greece. *Managerial Auditing Journal*, 17 (4): 179-191.
22. Vincent, J. & Thomas, R. (2011). Management Integrity: The Lynchpin of a GAAS Audit. *The CPA Journal*, 22-25.
23. Yue D., Wu, X., Wang, Y., Li, Y. & Chu, C. (2007). A Review of Data Mining-based Financial Fraud Detection Research. *International Conference on Wireless Communications, Networking and Mobile Computing*, 5519–5522.

Study of the Relationship between the Lack of Integrity of the Executive Director and Fraud Occurrence in Tehran Stock Exchange (TSE)

Reza Jamei¹, Marziyeh Nourizadeh², Behnam nasiri³

Abstract

The purpose of this study is to investigate the relationship between the lack of integrity of executive directors and fraud occurrence in Tehran Stock Exchange. The multiple regression models with fixed effects were then used to analyze the data. In addition, ordinary least squares and panel data analysis were performed to investigate the relationship between lack of integrity of the executive directors and fraud occurrence in financial statements. The subjects of this research consist of 157 companies listed in TSE during 2009-2013. The results showed that there is a significant relationship between lack of integrity of executives and fraud, provided that the tax difference leads to the fraud in the organization. The annual adjustments as an indicator identity fraud in relation to management lack of integrity and fraud in the companies studied are not effective. The results showed that there is a significant relationship between modified audit opinion and fraud occurrence and the modified audit opinion does not impact the relationship between the lack of integrity and fraud.

Keywords: Executive Director, Fraud, Lack of Integrity, Modified Audit Opinion, Tax Difference.

1. Assistant Prof., Faculty of Humanities and social Sciences, University of Kurdistan (uok), , Email: frjamei@yahoo.com, r.jamei@uok.ac.ir. 09183716453

2. MSc. Student of Humanities and social Sciences University of Kurdistan (uok), nourizadeh_m70@yahoo.com

3. MSc. Student of Humanities and social Sciences University of Kurdistan (uok), b.nasiri86527@gmail.com. (Corresponding Author)